

شهید بهشتی و روحیه کار تشکیلاتی

امسال هم که بیاید و برود، حدود 35 سال است آیت‌الله دکتر سیدمحمدحسین بهشتی و یاران شهیدش در میان ما نیستند.



امسال هم که بیاید و برود، حدود 35 سال است آیت‌الله دکتر سیدمحمدحسین بهشتی و یاران شهیدش در میان ما نیستند. فقدان، بیش از هر چیز حسرت به بار می‌آورد، اما از یک نظرگاه منطقی می‌توان به این مساله اندیشید که جز غم و حسرت، چه تغییر دیگری در وضع ما با نبود این عزیزان حاصل شده است. آنان چه ویژگی‌هایی داشتند که در جامعه امروز، کمتر اثری از آن م‌سنم. ژدر این گزارش نگاهی داریم به روحیه کنش گروهی و تشکیلاتی شهید بهشتی که متأسفانه این روزها هم درباره نبود آن در روحیه جامعه ایرانی مطالبی گفته و نوشته می‌شود.

نگاهی به زندگی شهید بهشتی در مقابل ما چهار تصویر از روحیه کنش تشکیلاتی و گروهی او پدیدار می‌کند. در دوران نخست، او به دنبال مسائل فرهنگی و آموزشی بخصوص برای نوجوانان و جوانان بود و از این رو به تاسیس و مدیریت مدارس روی آورد. دو نمونه بارز این مدارس، مدرسه دین و دانش در شهر قم و مدرسه حقانیه در همین شهر برای طلاب بود. باید توجه داشت چنین روحیه ای خلاف برخی افراد است که آموزش را صرفاً در تحقیق یا تدریس می‌بینند. شهید بهشتی در این فضا تلاش می‌کند با کار گروهی مناسب، اقدام به نهادسازی کند و تشکیلات راه بیندازد.

در دوره دوم، او به امر برخی بزرگان ازجمله آیت الله العظمی بروجردی به آلمان می‌رود تا در آنجا به فعالیت دینی و فرهنگی بپردازد. در این مرحله هم شهید بهشتی روی به کار نهادی و تشکیلاتی می‌آورد. خود او در این باره می‌گوید: «تصمیم من این بود که مدت کوتاهی آنجا بمانم و کارها که سامان گرفت، برگردم ولی در آنجا احساس کردم دانشجویان واقعا به یک نوع تشکیلات مثل تشکیلات اسلامی محتاج هستند و جوان های عزیز ما با علاقه به اسلام می‌گرویدند ولی کنفدراسیون و سازمان های الحادی چپ و راست این جوان ها را منحرف و اغوا می‌کردند تا این که با همت چند نفر از جوان های مسلمانی که در اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا بودند... هسته اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان را آنجا به وجود آوردیم و مرکز اسلامی هامبورگ سامان گرفت.» (گفت وگویی شهید بهشتی با ماهنامه شاهد، اردیبهشت 1360 به نقل از شاهد یاران، شماره 8، ص 8 تا 10) حاصل کار شهید بهشتی به گونه ای شد که این مرکز به جایگاه اصلی خود بازمی‌گردد و تا امروز پا پرجاست. نباید فراموش کرد که کار تشکیلاتی در یک کشور خارجی چون آلمان با دو تهدید جدی روبه رو است. در اقلیت بودن به خاطر مهاجر بودن و در اقلیت بودن به دلیل شیعه بودن.

دوره سوم فعالیت شهید بهشتی مربوط به فعالیت ها و کنش های سیاسی در ایران قبل از انقلاب اسلامی است. شهید بهشتی در این دوره، یکی از کسانی بود که تلاش کرد جامعه روحانیت مبارز را به سامان تشکیلاتی برساند و از آن سو حتی قبل از انقلاب اسلامی به دنبال تشکیل یک حزب بود. عملکرد این شهید بزرگوار در شورای انقلاب، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم گواه دیگری بر کار تشکیلاتی اوست. (گفت وگو با آیت الله مهدوی کنی، شاهد یاران، شماره 8، ص 12)

پس از انقلاب اسلامی هم این روحیه شهید بهشتی ادامه پیدا می‌کند. چه آنجا که به قوه قضاییه می‌رود و از کمک و همفکری دوستانش بهره می‌برد و چه جایی که کار شورای انقلاب را تا حدود سال 59 ادامه می‌دهد و با کمک دیگر افراد شاخص در انقلاب اسلامی، حزبی به نام جمهوری اسلامی تاسیس می‌کند که نقش پررنگ آن در وقایع ابتدای انقلاب بخصوص تا سال 1360 بخوبی دیده می‌شود.

حال که چهار مرحله کار تشکیلاتی شهید بهشتی را بررسی کردیم، بد نیست به علل و عوامل وجود چنین روحیه ای در ایشان هم اشاره کنیم. رهبر انقلاب سال 63 در مصاحبه ای درباره ابعاد شخصیتی شهید بهشتی به این موضوع می‌پردازد و دلایل چندی برای وجود این روحیه نام می‌برد.

نخستین دلیلی که رهبر معظم انقلاب به عنوان دلیل روحیه تشکیلاتی شهید بهشتی نام می‌برد، این است که این شهید بزرگوار از عقیده خودش در مقابل عقیده جمع صرف نظر می‌کرد و تشخیص جمع را بر تشخیص خودش ترجیح می‌دانست؛ این یعنی همان پذیرش دموکراسی که لازمه وجود یک تشکیلات کاراست. ارزش چنین روحیه ای وقتی روشن می‌شود که بدانیم به گفته رهبر معظم انقلاب «آقای بهشتی در همه مسائل تقریباً صاحب نظر بودند.»

دیگر ویژگی شهید بهشتی که به کار تشکیلاتی منجر شده، حلم است. حضرت آیت الله خامنه ای در تعریف این صفت می‌گویند: «معادل این واژه را می‌توان جنبه داشتن و ظرفیت نفسانی داشتن ذکر کرد. مرحوم بهشتی جنبه داشتند و از ظرفیت روحی فوق العاده ای برخوردار بودند و خیلی دیر برمی‌آشفتمند. ایشان آدمی بود که این تحمل را داشت که اهانت را با بزرگواری گوش می‌داد و در آخر با استدلال و توجیه به اهانت پاسخ می‌داد.» جمع این دو صفت را می‌توان مدارا چه در ساحت نظری و چه در ساحت عملی دانست. شهید بهشتی نه در حیطه نظری و نه در حوزه عملی با دیگران به صورت دیکتاتوری برخورد نمی‌کرد و نظرات دیگران را می‌پذیرفت و از این رو بود که او هم یک فرد تشکیلاتی و هم یک مدیر قابل بود.

ریشه های دیگری هم در باره روحیه کار تشکیلاتی این شهید ذکر شده است. رهبر انقلاب معتقدند محیط خانوادگی شهید

بهشتی تاثیر زیادی در روحیه مدیریتی ایشان داشته زیرا ایشان در دوران کودکی احساس ضعف و عجز و خودکم بینی نکرده بود. همین روحیه باعث شده بود ایشان در آینده بتواند از مواضع و نظرات خود کوتاه بیاید و کار حزبی و تشکیلاتی را سامان دهد. (نقل قول های رهبر انقلاب از مصاحبه منتشر شده در شاهد یاران، شماره 8، صص 3 تا 7)

جام جم

مصطفی مسجدی آرانی